جست‌ارهایی در پلاسکو
هوالعزيز
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ورایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:
محمد آقایی، علیرضا آقایی‌پناه، ریحانه اصلان زاده، سیدمحمدی اعتمادی فرد، آرمین امیر،
حسین ایمانی جادویی، پاسی باقری، عبدالله بیچارانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه
توخیدلو، مجتبی توسی، حمیدرضا جلالی‌پور، ریحانه جواد، محمد‌رضا جوادی‌یگانه،
ابراهیم حاجی‌پناه، مهدی حسین‌زاده نمی‌فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد‌پور خویی، مجتبی
دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد‌رضا رحمتی، مهدی رزشوی، سعیده زادقانی،
احسان سلطانی، احسان شاه‌قاضی، غلامرضا صدیقی اورگی، رضا صفری شالی، عباس
عبدی، حامد قلی‌بیکار، حمید طاهری، فاطمه‌زاده‌ن ماندی، فریدین علی‌خواه، موسی
غربری، غلامرضا غفاری، محمد‌رضا گل‌نگاری، محمد فاضلی، رضا فاضلی، نعمت الله فاضلی،
مقصود فرستوکه، جواد فرمانی، هادی‌بابایی، ناصر فکومی، مجید فولادانی، سید حسن
فیروزآبادی، محمد‌مینی قاضی‌رود، علی قنبری، محمد‌رضا کامی، مصعود کوثری، رضا
مختری اصفهانی، علیرضا مشهدی‌زاده، محمد معصومی، مهدی منصوری، رضا
مطوری، سیدجواد میری، سیدعبدالل‌امیر نیوی، آرش نصاری‌کاشفانی، عباس نعمتی، سید‌الله
خاشمی، سیده رضیه پاشینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی‌امیری

به کوشش:
محمد‌رضا جوادی‌یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقانی، عبدالله بیچارانلو

۱۳۹۵
جستارهایی در پلاسکور به کوشش محمدرضا جوادی پاکتی، جبار رحمانی، سعید زادفانی، عبدالتبع. شیفت. مشخصات نشر تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. ۱۳۹۵.٣٦٣/٧۴٣ردیف ۱۲۵ص.متشخصات ظاهری ۳۴۱١١ص.

بحث‌های جامعه‌شناسی

موضوع

سخنرانی و افکار عمومی

موضوع

مسائل اجتماعی - ایران - تهران

موضوع

مدیریت حراست - ایران - تهران

موضوع

پلاسکور - آینده‌نگری

موضوع

ردمیتی کنگره ۱۳۹۵ ج۷/۱۵۳HV

چستارها
نام: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمد درخوا، آگاه، جبار رحمانی، سعید زاده، عبدالرضا بیکرalto.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آ: وحید لنگانزاده
روی جلد: از مجموعه "ایستاده در غبار"، اصغر خمیسه، خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، بابک‌نر، میدان ویلی، خیابان دمکر، شماره 9، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
Email:nashr@ric.ir 8889453074 - ۶۸۲-۱۴۱۵۵-۱۳۹۳۷، تلفن: ۸۸۹۰۱۲۱۳۷، دورنگار: ۸۸۸۹۰۱۲۱۳۷.
فرهنگ و جامعه

۱۴۳ پرستش پلاسکو / نعمت الله فاضلی
۱۵۵ پلاسکو و امر نمی دانم / سیدجواد میری
۱۶۱ با پلاسکو می توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی یور
۱۶۹ فتوحه پلاسکو و تکوین مقولة «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس یک پناه مرمد / محمدرجواد غلامرضاکاهی
۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتقاد / غلامرضا غفاری
۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
۲۰۳ اعتقاد: کلید جامعه خود و ترجمه / فریدن علیخواه
۲۰۹ پلاسکو و نشانه شناسی یک ازدحام / مقصود فرستخواه
۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیانی
۲۲۵ بررسی زمینه های بحر پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی و مهدی اعتدادی فرید
۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلقت ایرانی

۲۴۳ آیا مردم هم در فروپاشیت پلاسکو مقصودند؟ / محمدرضو چاودی یگانه
۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمونی / محمد درکی
۲۶۲ حادثه پلاسکو و مفهوم همیشه: مردم / مهدی روزخوش
۲۷۱ تخدیرگرایی، گم گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
۲۷۹ همه ایرانیان، بعضی ها ایرانی ترد / آرمین امیر
۲۸۹ پلاسکو، فقاحت مهلی در زمست جمعی ایرانی / علی قنبری
۲۹۹ آیا آنها گوستندند؟ / فاطمه سادات علمدار
۳۰۹ فراغت اندیشه نسی: آن چه که انجام می گدهی / مهدی منتظری مقدم
۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقندار

رسانه ای جمعی و اجتماعی

۳۲۷ پلاسکو: سیبی سخت فاجعه / سعیدکوثری
۳۳۱ تصویری از رسانهای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
۳۴۷ درباره روابط رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خویی
۳۵۵ ۱۴۴ دقیقه تعقیب / محمد معموریان
۳۶۵ اخلاق رسانهای و نقش جامعهدلی / عباس عبده
فرهنگ و جامعه
پلاسکو و نشانه شناسی یک ازدحام
ضرورت‌های بازگشت به الگوی توسعه اجتماع مدار
مقصد فرا نشان
عضو هیات علمی مؤسسه ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

او لین چیزی که با پلاسکو به ذهن می‌خزد این است: مدیریت فاجعه یا فاجعه مدیریت؟ اتفاقی بود که افتاد خانواده‌ها که عزیزان خود را به جان گذاشته‌اند حالت از دست دادند و کسانی که می‌که را و سرمایه خود را اعتماد عمومی به نهادها، ترکی دیگر برداشت، تکه‌ای از حافظه یک شهر فرو ریخت. شاید بگوییم فاجعه در هر جامعه‌ای روزی می‌دهد اما چیزی که هست یک جوامعی به سطح بلوغ رسیده با نهادهای توسعه‌یافته و سیستم‌های کارآمد و ظرفیت‌ها و آمادگی‌های اجتماعی و فرهنگی خود را اصولاً از خیلی فجعی پیشگیری می‌کنند یا دست کم زمانی که روز داد، آن را خوب مدیریت می‌کنند ولی اینجا بیشتر به یا مدیریت فاجعه، فاجعه مدیریت را می‌بینیم.
مشکلات موجود بر سر راه شیاست گزایی و پاسخ‌گویی اجتماعی، به علاوه سیطره سیاست بر کارگزاران حرفه‌ای، سبب شده است مدیریت‌های ما ناکارامد باشند. اطمنان‌های لازم برای هوشمندی سیستم‌ها و چالش‌های مدیریت یکباره شهیر نیست، هماهنگی حاکمیت و مدیریت مطلوبی وجود ندارد، انواع گروه‌های نفوذ و فشار و سایه در کار این است، دستگاه‌ها در تمهیدات حقوقی و ازام‌های قانونی به مالکان خود و کلان مشکل دارند، امکانات و تجهیزات و زیرساخت‌های شهری و آموزش‌های لازم را فراهم نمی‌آورند و از همه مهم‌تر، سرمایه اجتماعی کافی نیز برای خود تدارک نمی‌بینند. شاید یک‌ی از علل ازدحام مردم در محل حادثه همین بود. وقیئ حتی به شما می‌گوید هنگ‌نهادی‌های در دست‌گاه‌ها نیست، ناچار به هوش درون‌فری و برون‌فری خود متوسل می‌شود. می‌خواهید تا بیمارستان حتی آگر شده تا درون اتاق عمل نیز بروید و مطمئن باشید که درست می‌بینند و درست می‌دارند. هرکس می‌خواهد بنگزرف خود را راساً سرپا نگه دارد.

حضور سراسری گروه‌های اجتماعی در صحنه پلاسکو را چرا نشان از نگرانی‌های مزمن مردم ندانیم؟ حتی مبهمی به آنها می‌گوید چه خواهد شد؟ آقایان چه می‌بینند و چطور عمل می‌کنند؟ اعتماد به ساختارهای اجتماعی، سرویس‌های عمومی و تدبیر امور، کم و بیش متوسل شده است. تقلیل یک امر پدیدارشناختی به برخی تصاویر افراد موبایل به دست بر روی ماندن آتش‌نشانی و کدا و چرا، نتایج روش‌شناختی فاحشی است. آمدن به سرویس حادثه و جار زدن به قوم با چشمان پی‌جوی نگران، شاید تنا پی‌چاره‌ای بود که در چنین لحظه‌ای اینان به سیاق فرهنگ ایرانی (هم‌بستگی در شدانه) سراغ داشتند.

دانشگاه غیرباز پلاسکو تمام شد اما یک نشانه از او بماند: دستگاه‌های کرکت‌ و ناوان، مردم کنجدکاو و نگران. یک راه این است
که برگردیم به الگوی «توسعه شهری اجتماعی مشریون و محله‌مایه» از دستگاه‌ها (آن‌ها از این دستگاه‌ها!) جایگزینی ناکارآمد برای خود مردم شهر و مردم محل دست و پا نکنیم. دستگاه‌ها برای این هستند که به مردم مراجعه کنند، مردم را به باری بخواهند، فضاهایی گفت و گویی و مشارکتی و همانندی و هم‌آموزی و هم‌پیاری برای مسائل شهر و مسائل محل ترتیب بدهند. فرصت‌های تمدن نبوده با هم کارکردن و خودآموزی و خودتنظیمی و خودگردانی اجتماعی فراهم بیاورند. تنها بدل ممکن برای بروکراسی علیه اداری، یک دموکراسی اصلی اجتماعی است.

حتی کارآمدترین و مدرن‌ترین سیستم‌های مدیریت و خدمات و انتظام علومی در توسعه‌یافته‌ترین شهرهای دنیا نیز، امروزه به این تهیه رسانده‌اند که عاملیت اجتماعی را بیدار کنند و از سازمان‌دهی درون‌جوش محلی و شهری بهره بگیرند. عقلانیت ابزاری با همه کارایی های خود یک جا در می‌ماند و از عقلانیت اجتماعی و فرهنگی و ارتباطی مدد جویند. همسایگان، اهل محل، کسب محل، سمن‌ها، بخش‌های داوطلبانه و غیرانتمافی و نهادهای مدنی، مهم‌ترین رگ و پی ارگانیزم اجتماعی، حساسیت‌تی اندام‌های حتی جامعه و دیپارترین و تجدید‌شونده‌ترین ظریف‌ها برای اداره شهر هستند.

در سنت‌های باروت‌های دیرین، خاطرات همانی و کارهای دسته‌جمعی حضور دارد. در فرهنگ ما، غم خواری هست، عقلانیتی نیرومند در دل آداب و عادات ایرانی هست که به مصادیق همسایگان و اهالی محل و اهالی شهر حساسیم، انسان‌شناسی ما سرشار از آینه‌ها و رسوم و نمادهایی است که می‌توانند امروز با تفسیر درست و بهره‌گیری کرایه، در خدمات الگوی «توسعه اجتماعی مشریون» شهرهای مان بنشد و ضمناً شکاف مزمن دولت‌‌های ملت را نیز در این سرنوشت رفع و رجوع

1. Community based development
کند.

بر حسب آخرین آماری که از زمستان ۹۴ مرکز آمار ایران در دست دارم افراد ۱۵ ساله و بیشتر ایرانی ساکن در مناطق شهری در ساعت بطور متوسط، فقط دو دقیقه برای فعالیت‌های داوطلبانه اختصاص می‌دهند. این دلایل دارد که بستری و پفهاشی محلی و اجتماعی و تمهیدات سیاستی، نهادی، شهروی و مدریری برای ظهور این نوع فعالیت‌ها و ابتكارات مردمی، فراهم نیازدارد و به طور متوسط آن‌چه را نیز هست یا در خدمات سیاست خواسته‌ای و یا به چوب سیاست و بلقک امنیت رانده‌ایم، این از بخش داوطلبانه که گاهی در دنیا از او به بخش سوم (در کنار بخش دولتی و بخش غیردولتی) یاد می‌شود و بسیاری از اداره امور شهرها بر عهده اوسط، اما بخش دور دیگری بخش غیردولتی را نیز قوی و چالاک و نیرومند و مستقل و متکر نخواسته‌ایم و طبق شاخص‌های جهانی، امتیاز ما از ۱۰۰ فقط در حد ۴۰ است. این شاخص برای کشورها در حال توسه‌های مهمگان با ما در منطقه امتیاز‌ها بالاتر از ۵۰ یا حتی ۵۰ را نشان می‌دهد. به ناکامی‌های دیویانسالاری و دست‌گاه‌های مدیریتی بخش اول عنی‌بخش دولتی نیز در سطح بالا اشاره شد.

پس راهی نمانده است جز این که به منطق به‌ناهیت کوچک‌ها، به منطق صنف‌ها، حرف‌ها، سرمای خس، خساپی‌ها، مکه و کسبه و به منطق سازمان‌های خودگردان شهری و خودتنظیم‌ها و ابتكارات مردمی بزرگ‌تر، یا اگر این که فاصله‌های مانند پلاسکو و بمرابط در ابعاد بزرگ‌تر در شهری‌های روز ندهد، با اینکه موقعیت به شراط امکان عمل اجتماعی و به اداره علاوه‌ای شهر بزرگ‌تر و این از آن موری است که به‌ناهیت یا همه‌ها هست یا هیچ‌چیز. ما با مشارکت درون‌جوش اجتماعی برای اداره شهرهای خوب‌شان را به دست‌خواهی داشت و یا
بلاسکو و نشانه شناسی یک ازدحام

اصلاً نخواهیم داشت. وقتی خواهیم داشت که بیدریم در این تنوع، کثرت، آزادی، انتقاد، ابتکار، خطای تجربه، باگیری و قیل و قال خواهد بود. به تدریج یاد می‌گیریم که در عین اختلاف توافق کنیم. می‌آموزیم که می‌شود همکاری می‌آید. باشیم. می‌شود گفت و گو کرد و با وجود گوناگونی دیدگاه‌ها، به مبانی‌گذاری از تصمیم‌های مشترک و هم گرایی‌های باید دارای مرحله‌ای دست یافته، ارسطو تعبیری دارد که می‌گوید نیاز با نواختن، نیاز نواز می‌شود و معمار با ساختن، معماری مشترک و محرز با گفت و گو و مشارکت‌ها و هم‌اندیشی‌ها و تمرین‌های تدریجی است که می‌آموزند چگونه شهریار را اداره کنند. ما شنا را در آب یاد می‌گیریم و دوچرخه‌سواری را با رکاب زدن.